



Faghani Shirazi's trip Harat and the impact on Asefi Heravi's poetry

Saeid Hamidian¹ | SeyedMasood Husaini²

1. Corresponding Author, professor of Persian language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: drsaeidhamidian@gmail.com
2. Ph.D. student of Persian language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: s.m.husaini756@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 14 July 2023

Accepted: 13 August 2023

Keywords:

Asefi Heravi,
Faghani Shirazi,
Nazukkhayali,
Harat,
9th and 10th centuries.

ABSTRACT

Faghani Shirazi's trip Harat and deal with him based on the narrative Ovhadi Belyani, caused a group of contemporary poetry researchers and Persian literature, based on that narrative, criticize and evaluate the Harat school of literature in the 9th and 10th centuries. Relying on a single narrative and ignoring others Narratives and side points of the issue, on the other hand, hindered the accurate knowledge of Harat poetry and literature at the end of the Timurid period and the beginning of the Safavid era, and on the other hand, another place of Harat in the creation of Nazukkhayal School is in doubt. This approach makes Faghani Shirazi the only founder of the school of imagination what is known as the Indian style, he introduces and expresses the rule of these poets of that time, such as Asefi Heravi, in the founding of the school. Shrewd, avids. Since Hadi's narrative is not the only narrative and other narratives proverb the opposite of this issue, addressing this the issue becomes important. Reviewing Faghani's trip to Harat and examining the dark corners of this trip and Faghani Shirazi's influence by Asefi Heravi and his influence on the same poets of Harat is the main topic of this article, which is presented analytically-descriptively with the method of historical reference becomes the result of this research is that, contrary to Ovhadi Belyani's narrative, Faghani Shirazi's poetry was welcomed and praised in Harat. Faghani was influenced by the style of popular poetry of that time in Harat, especially Asefi's poetry, and was influential in some cases.

Cite this article: Hamidian, S., Husaini, S. M. (2023). Faghani Shirazi's trip Harat and the impact on Asefi Heravi's poetry. *Research of Literary Texts in Iraqi Career*, 4 (3), 35-60.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: <https://doi.org/10.22126/ltip.2023.9375.1172>



فغانی شیرازی در هرات و تأثیرپذیری‌های او از شعر آصفی هروی

سعید حمیدیان^۱ | سیدمسعود حسینی^۲

۱. نویسنده مسئول، استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: drsaeidhamidian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: s.m.husaini756@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

سفر فغانی شیرازی به هرات و چگونگی برخورد با او بر اساس روایت اوحدی بلیانی، باعث شده تا گروهی از پژوهش‌گران معاصر شعر و ادب فارسی بر مبنای آن روایت، مکتب ادبی هرات سده‌های نهم و دهم را نقد و ارزیابی کنند. اتکا به روایت واحد و نادیده گرفتن دیگر روایات و نکات جانبی مسأله، از یک سو مانع شناخت دقیق شعر و ادب هرات اواخر روزگار تیموری و اوایل عهد صفوی شده و از سوی دیگر جایگاه هرات را در ایجاد مکتب نازک خیال در ابهام قرار داده است. این رویکرد، فغانی شیرازی را تنها بنیان‌گذار مکتب نازک خیال یا آن‌چه به نام سبک هندی شناخته می‌شود، معرفی می‌کند و از بیان نقش دیگر شاعران آن روزگار مانند آصفی هروی در بنیان‌گذاری این مکتب، پرهیز می‌کند. از آن‌جا که روایت اوحدی تنها روایت نیست و روایات دیگر عکس این مسأله را ثابت می‌کنند، پرداختن به این موضوع اهمیت می‌یابد. بازنگری سفر فغانی به هرات و بررسی گوشه‌های تاریک این سفر و تأثیرپذیری فغانی شیرازی از آصفی هروی و تأثیرگذاری او بر برخی از شاعران هرات، موضوع اصلی این مقاله است که با روش استنادی تاریخی به صورت تحلیلی-توصیفی ارائه می‌شود. براینکه این پژوهش آن است که برخلاف روایت اوحدی بلیانی، شعر فغانی شیرازی در هرات مورد استقبال و تحسین قرار گرفته است. فغانی از شیوه شعر رایج آن زمان هرات به‌ویژه شعر آصفی تأثیرپذیرفته و در مواردی خود تأثیرگذار بوده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲

واژه‌های کلیدی:

آصفی هروی،
فغانی شیرازی،
نازک خیالی،
هرات،
سده نهم و دهم.

استناد: حمیدیان، سعید؛ حسینی، سیدمسعود (۱۴۰۲). فغانی شیرازی در هرات و تأثیرپذیری‌های او از شعر آصفی هروی. پژوهشنامه متون ادبی

دوره عراقی، ۴ (۳)، ۳۵-۶۰.

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



DOI: <https://doi.org/10.22126/ltip.2023.9375.1172>

۱. مقدمه

برخی از پژوهش‌گران معاصر گستره ادبیات، مکتب نازک خیال را از لحاظ زمان متعلق به اوایل سده دهم تا اوایل سده سیزدهم می‌دانند؛ اما واقعیت آن است که این شیوه از سده نهم در هرات آغاز شد و با شعر آصفی هروی به نقطه اوج رسید. همان‌که تمام ویژگی‌های سبک نازک خیال را در شعر خود پرورش داده بود. بی‌گمان آصفی در محیط ادبی هرات یک استثنا نبود؛ بلکه شاعران دیگری حتی قبل از او در به‌کار بستن خیال‌های نازک در شعر آن سامان توجه داشتند. کاتبی و امیرشاهی و جامی را باید از جمله پیشگامان این عرصه شمرد که به ضرورت نوآوری، ایراد معانی تازه و خیال‌های خاص در شعر فارسی، توجه و اشاره کرده‌اند.

ریکاردو زیپولی، نقش جامی را در زمان خود چونان نقش تاسو در شعر ایتالیا برجسته می‌بیند و از این دو شاعر هم‌چون پیامبران تغییرات و تحولات زمان یاد می‌کند (زیپولی، ۱۳۶۳: ۳۴). در این جا قصد بر بیان نقش تک‌تک شاعران مکتب هرات مبنی بر پایه‌گذاری مکتب نازک خیال نیست؛ بلکه هدف بیان تغییر و تحولی است که در گستره شعر فارسی از اوایل سده نهم در هرات آغاز شد و با آصفی هروی به‌عنوان نماینده تمام‌عیار آن مکتب، به نقطه اوج رسید. مکتبی که از آن با نام نازک خیال، هندی و اصفهانی نیز یاد شده است. از دیگر شاعران این مکتب می‌توان از غریب میرزای غربی، و اصفی هروی، ثنایی مشهدی، هلالی جغتایی، غزالی چنک، میلی هروی و دیگران یاد کرد که هر کدام به‌نوعی در ایجاد مکتب نازک خیال نقش داشته‌اند.

۱-۱. بیان مسأله

بیشتر پژوهشگران معاصر سفر فغانی شیرازی به هرات و عدم استقبال از او را مطابق روایت اوحدی - دال بر آن گرفته‌اند که مکتب ادبی هرات در سده نهم با سبک نازک خیال بیگانه بوده است. دلیل اصلی این تحلیل آن است که این پژوهش‌گران به تنها روایت اوحدی اکتفا کرده‌اند؛ در حالی که منابع دیگر نشان می‌دهند که فغانی شیرازی در هرات مورد استقبال قرار گرفته، شعرش تحسین شده و از همین رهگذر راه ورود وی به دربار سلطان حسین بایقرا هموار گردیده است. کسانی مانند مولانا جارویی هروی، از شعر او تتبع کرده‌اند و از همه مهم‌تر آن‌که آصفی هروی که چندسالی از فغانی شیرازی بزرگ‌تر و در زمان ورود وی به هرات، به شاعری مشهور بوده، اشعارش تمام یا بیشتر ویژگی‌های سبک نازک خیال را داشته است. در این پژوهش به چند و چون سفر فغانی شیرازی به هرات و رابطه آن با سبک نازک خیال و نقش هرات در ایجاد این سبک پرداخته می‌شود.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌گران روزگار ما که از عدم اقبال به فغانی شیرازی در هرات سخن گفته‌اند، یکی محمود فتوحی است که در چند موضع از کتاب *صدسال عشق مجازی* با استناد به سخن اوحدی، بر عدم استقبال از فغانی شیرازی در هرات تأکید کرده است؛ اما او به روایت‌های دیگر در این زمینه توجه نکرده و بر ایند پژوهش او این شده است که نقش هرات به‌ویژه آصفی هروی در ایجاد سبک نازک‌خیال مکتوم بماند. حسن‌پور آلاشتی در کتاب *طرز تازه* به آصفی هروی و جایگاه او در مکتب ادبی هرات نپرداخته و شعر فغانی را با شعر جامی مقایسه کرده و بر ایند پژوهش او این شده که فغانی بنیان‌گذار طرز تازه است.

در مورد آصفی هروی، نخستین پژوهش‌های علمی، مربوط به «سینار بزرگ‌داشت و شناخت آصفی هروی» است که در سال ۱۳۸۱ از سوی دانشگاه هرات در این شهر برگزار گردید. برخی از مقاله‌نویسان این سینار بر عدم شناخت دقیق از آصفی تا آن زمان، اشاره‌هایی کرده‌اند. موضوعی که از عنوان سینار هم دانسته می‌شود؛ زیرا در کنار «بزرگ‌داشت»، از «شناخت» آصفی نیز سخن رفته است. در این سینار، ره‌یاب، رجایی، منیر و تعدادی دیگر درباره آصفی و شعر او مقاله‌هایی ارائه کردند که مجموعه این مقاله‌ها در *مجله اندیشه*، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه هرات در زمستان ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. در هیچ‌کدام از این مقاله‌ها به سفر فغانی شیرازی به هرات و چگونگی برخورد با او در این شهر اشاره‌ای نشده است.

از واپسین پژوهش‌ها در این عرصه، مقاله رضا رفایی و مریم صالحی‌نیا است که عدم استقبال از فغانی شیرازی در هرات را مورد تردید قرار داده و دلیل آن را نه در سبک شعر او، بلکه در رقابت میان شاعران آن دیار با فغانی دانسته‌اند؛ اما این نویسندگان، به منابع دیگر که سخنانی متفاوت با تذکره اوحدی دارند، توجه نکرده‌اند. از میان تذکره‌ها افزون بر *عرفات‌العاشقین*، از *مجالس‌النفائس*، *تحفه سامی*، *شمع‌انجمن* و *آفتاب‌عالم‌تاب*، در این پژوهش بیشتر استفاده شده است؛ زیرا این منابع به نکاتی اشاره دارند که سخن اوحدی را نقد می‌کند. *تاریخ ادبیات صفا*، از دیگر منابع این پژوهش است که نقش آصفی و فغانی را در ایجاد مکتب هندی، همانند هم می‌داند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

این پژوهش از سه جهت حایز اهمیت است: نخست زوایای تاریک سفر فغانی شیرازی را به هرات روشن می‌سازد؛ دوم نقش آصفی هروی را به‌عنوان شاعر تأثیرگذار سبک نازک‌خیال در سده‌های نهم

و دهم هر برجسته می‌سازد و سوم، برخلاف تصویری که نسبت به مکتب ادبی هرات وجود دارد، نشان می‌دهد که هرات خاستگاه و پرورشگاه سبک نازک خیال است

۲. بحث

این پژوهش در دو بخش ارائه می‌گردد: بخش نخست به سفر فغانی شیرازی به هرات و چگونگی برخورد با او در پایتخت خراسان بزرگ اختصاص دارد و بخش دوم به بیان نکاتی در زندگی و سبک شعر آصفی هروی و فغانی شیرازی می‌پردازد و جایگاه شعر آصفی و اثرگذاری او را بر شعر فغانی نشان می‌دهد و براینده هر دو بحث تبیین نقش هرات در ایجاد مکتب نازک خیال است.

۲-۱. سفر فغانی شیرازی به هرات و چگونگی استقبال از وی

درباره فغانی شیرازی و ورود او به هرات و نحوه برخورد شاعران این شهر با وی روایتی چند در برخی از منابع آمده است. یکی از این روایت‌ها مربوط به اوحدی است. او که راوی اصلی عدم استقبال از فغانی شیرازی در هرات است، این عدم استقبال را مرتبط با سبک شعر فغانی می‌داند که از نظر وی برای شاعران هرات ناآشنا بوده و از این جهت نه تنها که از فغانی استقبال نکرده‌اند، بلکه او را با آن شیوه شاعری‌اش، مورد استهزا نیز قرار داده‌اند. در کنار این موضوع، تقریباً بیشتر پژوهش‌گران معاصر، فغانی را به عنوان بنیان‌گذار سبک جدید، آنچه بعدها به نام سبک هندی مشهور شد، معرفی کرده‌اند. این دو نکته لازم است تا بیشتر بررسی شود. این که آیا فغانی شیرازی واقعاً مورد استقبال شاعران هرات قرار نگرفت و از آن دیار طرد گردید؟ و آیا دلیل بیرون‌شدن فغانی از هرات، همان است که صاحب عرفات نوشته است؟

درباره فغانی شیرازی معلومات اندکی وجود دارد. نام وی و نام پدرش در منابع ذکر نشده و تاریخ تولد او نیز مشخص نیست. استاد یا استادان او را نیز نمی‌شناسیم. این که ابتدا به کاردگری اشتغال داشت و سکاکی^(۱) تخلص می‌کرد و سپس تخلص فغانی را اختیار کرد و به بابافغانی مشهور شد و به خراسان و هرات سفر کرد و در هرات مورد بی‌مهری شاعران آن دیار قرار گرفت و سپس به تبریز و باز به شیراز رفت و دست آخر در مشهد درگذشت، عمده مطالبی است که درباره این شاعر دارای سبک و یکی از بنیان مکتب نازک خیال به تکرار بیان شده است. پرداختن به پاسخ این پرسش که آیا فغانی شیرازی به تنهایی بانی شیوه‌ای خاص در شعر زمان خود است یا هم‌زمان با او کسان دیگری نیز بر این

شیوه منسلک بوده‌اند و این که در هرات با او چگونه رفتاری صورت گرفت و دلیل آن چه بود؟ از نکاتی است که ما را در گشودن گره سفر فغانی به هرات کمک می‌کند.

از طرفی این مسأله در تحلیل اوضاع ادبی و تعریف ذوق شعری در نیمه دوم سده نهم و پس از آن، آن‌چه از شعر و ادب در هرات بوده، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بر مبنای آن می‌توان ذوق آن زمان را محک زد و شعر آن روزگار را سبک و سنگین کرد. از میان چند روایت موجود در این زمینه، بیشتر منتقدان و پژوهش‌گران معاصر به تنها روایت اوحدی توجه کردند و مبنای کارهای پژوهشی خود را بر این اساس گذاشتند. در حالی که به جز روایت اوحدی روایت‌های دیگری درباره نحوه برخورد با فغانی شیرازی در هرات و چگونگی استقبال از او در این شهر نیز وجود دارد. روایت‌هایی که به دلایل نامعلوم، مورد توجه محققان روزگار ما قرار نگرفته است.

۲-۱-۱. دیدگاه‌ها درباره سفر فغانی به هرات

محمود فتوحی در چند موضع از کتاب *صدسال عشق مجازی*، به سفر فغانی به هرات اشاره و تأکید کرده که او در این شهر مورد استقبال شاعران قرار نگرفته است: «شهیدی و بابافغانی از تبریز راهی هرات شدند؛ خراسانیان شعر آن دو شاعر را نپسندیدند» (فتوحی، ۱۳۹۹: ۹۷). او درباره فغانی نوشته که: «شاعران دربار هرات که با سبک حافظ و جامی و امیر علی شیر نوایی مأنوس بودند، روی خوشی به بابافغانی نشان ندادند» (همان: ۱۰۸). او همین نکته را در صفحه ۱۱۵ کتاب باز مورد تأکید قرار داده و در ادامه درباره واکنش شاعران هرات در برابر شیوه فغانی نوشته است که: «آن‌ها بر طرز بابافغانی نیز دست زدند و شعر او را نامکرم و بی‌معنی یافتند و مدت‌ها شعرهای ضیق و عجیب را فغانیانه می‌خواندند» (همان: ۱۴۷) و این که فتوحی سبک فغانی را در تضاد با طرز شاعران هرات یافته و نوشته که: «اهل خراسان در زمان وی اشعارش را نپسندیدند و منکران آن طرز بوده‌اند؛ زیرا که سخنانش منافی طرز ایشان است» (همان: ۱۴۸) و این که فتوحی یکی از شاخص‌های شهرت فغانی را رانده‌شدن او از هرات می‌داند (همان: ۳۹۱).

با وجود تأکید بر عدم استقبال از شهیدی قمی و فغانی شیرازی، فتوحی در ادامه می‌نویسد که جامی از شهیدی به گرمی استقبال کرد و شهیدی مرید جامی شد و بر مذهب او نیز درآمد (همان: ۱۴۷). هرچند شهیدی موضوع این بحث نیست؛ اما از آن‌جا که فغانی و شهیدی تقریباً به گونه هم‌زمان وارد هرات شدند و هر دو از جهتی اشعاری شبیه هم می‌سرودند، اگر تنها سبک شعر، منظور نظر شاعران هرات می‌بود، چرا به قول فتوحی از شهیدی استقبال گرم صورت گرفت و از فغانی نه؟

ادوارد براون نیز دربارهٔ فغانی نظری مشابه ارائه کرده و نوشته است که: «چون از شیراز به خراسان رفت مردم قدر او را ندانستند و حتی شاعر بزرگ جامی در ملاقات با او به او بی‌اعتنایی کرد» (براون، ۱۳۷۵: ۲۱۴). این استنتاج که جامی در ملاقات با فغانی بی‌اعتنایی کرده در تذکرهٔ اوحدی که منبع اصلی طرح این دیدگاه است، وجود ندارد و معلوم نیست که براون چگونه به چنین نتیجه‌ای رسیده است. تذکرهٔ عرفات از دیدار فغانی با جامی سخن رانده؛ اما از بی‌اعتنایی او چیزی نگفته است (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۵/ ۲۸۸۴)؛ در حالی که منابع دیگر از تحسین شعر فغانی توسط مولانا جامی سخن گفته‌اند. آنچه در ادامه خواهد آمد.

شبلی نعمانی در حالی که آغاز شاعری فغانی و رفتن او به هرات را هم‌زمان می‌داند، معتقد است که ملاقات فغانی با جامی مطلوب نبوده و شاعران هرات کلام او را لغو و بی‌معنی می‌دانستند (نعمانی، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۲۲). دیدگاه شبلی دربارهٔ آغاز شاعری فغانی در هرات، اگر درست باشد با بخش دیگر سخن او که از عدم استقبال از وی در این شهر سخن گفته است، در تقابل قرار می‌گیرد؛ زیرا اگر فغانی کار سرودن را در هرات آغاز کرده، کم‌وبیش باید بر شیوهٔ رایج آن دیار بوده باشد.

زرقانی افزون بر هرات، از عدم اقبال به شعر فغانی در شیراز نیز سخن دارد: «گرچه در قرن نهم طرز بابا چندان مورد قبول قرار نگرفت و همین امر سبب شد او شیراز را به قصد خراسان ترک کند و در خراسان هم شعرش مورد تمسخر قرار گرفت» (زرقانی، ۱۳۹۸: ج ۳/ ۲۴). و حسن پور آلاشتی، از انکار اهل خراسان از شیوهٔ فغانی یاد کرده و نوشته است که: «هرگاه می‌خواستند شعری را بی‌معنی بخوانند و استهزاء کنند، آن را «فغانیانه» می‌خواندند» (حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۵۲).

البته فغانیانه خواندن شعر فغانی که پژوهش‌گران بدان اشاره کرده‌اند، اگر درست باشد، الزاماً به معنای استهزا نیست. یان‌ریپکا در مورد این که چرا به شعر فغانی، فغانیانه گفته شده است، تعبیری دیگر دارد. او این مسأله را نه از روی تمسخر، بلکه مرتبط با روح حاکم بر غزلیات فغانی از لحاظ مفهومی می‌داند که محتوای آن شور و فغان است. او می‌نویسد که: «مایهٔ اصلی غزل‌های این شاعر گله‌مندی‌های دل‌خراشانه از اوضاع است. چنین شعرهایی را «فغانیات» می‌نامند» (ریپکا و دیگران، ۱۳۷۰: ۴۲۱).

به نظر می‌رسد صفا دیدگاه متعادل‌تری ارائه کرده است؛ چون نوشته که فغانی «در جست‌وجوی نام عزم سفر خراسان کرد و چندی در هرات بسر برد و در این مدت بخدمت جامی رسید و چندتن از شاعران زمان را ملاقات کرد. لیکن از اهل هرات اقبالی چنانکه باید ندید و ناگزیر بعزم آذربایجان

رخت سفر بست» (صفا، ۱۳۶۳: ج ۴/ ۴۱۲). با این بیان، این احتمال قوت می‌گیرد که انتظارات بلندبالا یا احياناً غیرعملی‌ای که فغانی داشت و در هرات بدان دست نیافت، عامل خروج او از این شهر شده باشد، نه شیوه شاعری او.

چنان که بیان شد، منبع این سخن‌ها و تحلیل‌ها *تذکره عرفات‌العاشقین* است. در این جا قصد بر نقد این کتاب نیست؛ اما به یکی دو نکته که مربوط به این گفتار است، ناگزیر باید پرداخت. اوحدی درباره سال وفات آصفی هروی نوشته است که: «وفاتش در زمان سلطان حسین میرزای بایقراست سنه ۹۲۸» (همان: ج ۱/ ۴۶۷)؛ درحالی که خود در بخش دیگری از همان کتاب، نوشته است که: «و در نهصد و یازده سلطان حسین میرزا بایقرا نیز به حق پیوست» (همان: ج ۱/ ۴۶۰).

چنان که دیده می‌شود نوشتار اوحدی دچار تناقض آشکار است؛ زیرا از یک طرف وفات سلطان حسین میرزا را در ۹۱۱ ذکر کرده و از جانبی وفات آصفی را در ۹۲۸ و در زمان سلطنت او دانسته است. درحالی که هرات در آن زمان در تصرف صفویان بوده است نه تیموریان. از طرفی سال دقیق وفات آصفی ۹۲۳ هـ است؛ زیرا ماده تاریخ‌های موجود در این زمینه، همین سال را نشان می‌دهد. از جمله سروده ابراهیم امینی (دیوان آصفی، ۱۳۴۲: بیست‌وشش) و قطعه‌ای که نظمی تبریزی آورده، معادل سال ۹۲۳ است (نظمی تبریزی، ۱۳۷۸: ۵).

۲-۱-۲. تحسین شعر فغانی در هرات

با توجه به این که روایت اوحدی روایتی واحد است و دیگر راویان آن را از او گرفته‌اند؛ نمی‌توان این روایت را قابل اعتماد دانست. صاحب *مجالس‌النفائس* که اثر خود را هم‌زمان با حضور فغانی در هرات نوشته است، از وی به‌عنوان شاعر دربار سلطان حسین میرزا نام برده و شعر و شخصیت او را ستوده است (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۰۷). در واقع رسیدن فغانی به دربار هرات و ستایش او از جانب نوایی، وزیر قدرتمند دربار تیموریان، کسی که روی خوشی به خیلی از شاعران روزگارش نشان نداده، آشکارا سخن اوحدی را مورد تردید قرار می‌دهد.

در *تذکره‌الشعراء* دولتشاه سمرقندی مؤلف به‌سال ۸۹۶، ذکری از فغانی شیرازی نیست. *تذکره تحفه سامی و تذکره‌التواریخ* که مقدم بر *تذکره عرفات‌اند*، به شرح حال فغانی پرداخته‌اند؛ اما از عدم اقبال به او در هرات سخن نگفته‌اند (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۸) و (کابلی، ۱۳۹۲: ۳۷۶).

افزون بر این، *تذکره شمع‌انجمن* نوشته است که: «شعر او نزد مولوی [جامی] درجه قبول و استحسان یافت» (صدیق، ۱۳۹۴: ۵۶۷). بنابراین غیرمحتمل می‌نماید که دربار هرات و شاعران آن سامان از در

مخالفت با نظر جامی درباره فغانی وارد شده باشند. جایگاه جامی در روزگار تیموریان وجود شبهه در این زمینه را منتفی می‌سازد.

۲-۱-۳. فغانی و دریافت لقب از دربار هرات

افزون بر استقبال و تحسین فغانی در هرات که از آن سخن گفته شد، *تذکره آفتاب عالمتاب* می‌نویسد که لقب بابای شعرا در تبریز و لقب آدم الشعراء از سوی دربار هرات به فغانی داده شده است: «به ذریعه ملا جامی که آخر دور ایشان بود، سلطان حسین میرزا را ملازمت نمود و مخاطب به آدم الشعرا گردید» (اختره‌وگلی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۳۷۵). دریافت لقب از سوی دربار هرات در کنار سایر دلایلی که بیان شد، بر تکریم فغانی شیرازی در این شهر دلالت دارد. فغانی در واقع با تأیید جامی و نوایی به دربار راه یافته و لقب دریافت کرده است.

۲-۱-۴. تتبع از فغانی در هرات

برخلاف سخن اوحدی و برخی از پژوهشگران معاصر، شعر فغانی در هرات مورد تتبع نیز قرار گرفته است. سام میرزا این بیت مولانا جارویی هروی را:

جاروبی‌ام و بسته کمر از پی خدمت هر شام و سحر خاک درت رُفتم و رفتم

به استقبال از غزل فغانی با مطلع زیر دانسته است:

از کوی تو چون باد بر آشفتم و رفتم گردی ز دل مدعیان رُفتم و رفتم

(صفوی، ۱۳۸۴: ۳۱۱)

۲-۱-۵. نبود آثار شکوه در شعر فغانی از هرات و مردم آن

شکوه‌ها و گلایه‌های شاعران یکی از مباحث برجسته تاریخ ادب فارسی است که پرداختن به آن خارج از حوصله این نوشتار است. شاعران احساسات‌شان را در برابر بی‌احترامی به خود، به طریق اولی بیان کرده‌اند و گاهی حتی همین که اوضاع و احوال زندگی را به کام ندیده‌اند، آن را در اشعار خود انعکاس داده‌اند. مثلاً آصفی هروی در سفر بلخ که در معیت بدیع‌الزمان میرزا و امیرعلی شیر نوایی بوده، از آن سفر این‌گونه شکوه دارد:

شاهها رمضان رسید و من دربه‌درم وز کشور بلخ است هوای سفرم

(آصفی؛ ۱۳۴۲: چهل‌ونه)

اما در دیوان فغانی، شعری که بر ناخرسندی او از هرات یا مردم و شاعران این شهر دلالت کند وجود ندارد. اگر او در این شهر مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت، پژواک آن حتماً در اشعارش دیده می‌شد. حتی اگر دیوانش باری مفقود گردیده باشد، بعید به نظر می‌رسد که ذهن حسّاس و نازک شاعر آن را فراموش کرده باشد و سرنخ آن باری از لای اشعارش پدیدار نگردد.

۲-۱-۶. فغانی و فضای دینی حاکم بر هرات

هرات سده نهم تحت تأثیر آرا و افکار عالمان دینی و عارفان نقشبندی قرار داشت. پیشوایان طریقه نقشبندی حاکمیت را وادار به لغو قانون چنگیزی کردند و به‌جای آن قانون شرع را برپا داشتند (کریم‌اف، ۱۳۹۰: ۲۰۸)؛ بنابراین فضای حاکم بر هرات آن روزگار، مقید به رعایت امور شرعی بوده و انجام آشکار کارهای خلاف شرع را بر نمی‌تافته است.

شاید رندی و ولع فغانی به شرب خمر، یکی از علت‌های خروج او از هرات بوده است. بیشتر منابع از جمله *تحفه سامی* (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۷۶)؛ به این موضوع اشاره کرده‌اند که فغانی در شرب خمر راه افراط می‌پیمود و حتی گاهی تن به ذلت تمسخر اطرافیان در این راه می‌داد. هم‌چنان که ممکن است گرایش او به جوانان زیباروی مزید بر علت بوده باشد. صاحب *ریاض‌العارفین* نوشته: «بابافغانی شیرازی که از شرب مدام و عشق جوانان گل‌اندام رنج‌ها دیده به خراسان آمد» (لکهنوی، ۱۹۷۹: ج ۲/ ۹۶). اگر این سخنان درباره فغانی دقیق باشد، می‌تواند زمینه را برای بودن او در هرات، ناهموار ساخته باشد. چنان‌که برای یکی دیگر از شاعران هرات چنین بوده است. درباره خواجه میرمسیاه آمده است که: «از شهر هرات است مرد بی‌تعین و خوش‌مشرّب بود، بلکه مشرب را به مذهب ترجیح می‌کرد... و چون همیشه طالب پسران سهل‌البیع بود و این متاع در ماوراءالنهر بیشتر به‌دست می‌افتاد روی بدان دیار نهاده و در آن جا فوت شد» (صفوی، ۱۳۸۴: ۲۳۷).

عشق به جوانان در شعر فغانی پژواکی گسترده دارد. او از برای جوانان سر می‌دهد؛ اما از عشق آنان دل بر نمی‌گیرد:

دگر ز عشق جوانان مست توبه نکرد به نکته‌ای که فغانی ز پیر جام شنید

(فغانی شیرازی، ۱۳۱۶: ۸۴)

ز باغ وصل جوانان گلی بچین امروز که گل رود ز گلستان و خار بار آید

(همان: ۹۵)

اگرچه عشق به جوانان زیباروی را در هرات روزگار تیموریان نمی‌توان انکار کرد و روایات مجالس‌العشاق اگر درست باشد، گواهی بر این امر است؛ اما آنچه می‌توان گفت، این است که خط فاصلی میان عشق و هزل وجود داشته است و همان باعث گردیده تا کسی مانند خواجه میرم، برای رسیدن به امیال خود در هرات احساس امنیت نکند و راهی شهری دیگر شود.

۲-۲. دو نخستین نازک خیال شاعر هم‌روزگار

سال وفات فغانی را بیشتر منابع ۹۲۵ نوشته‌اند و مدت زمان زندگی او را شصت و چند سال ذکر کرده‌اند. اگر اوسط شصت و چند سال را برای طول زندگی فغانی در نظر گرفته شود، عمرش حدود ۶۵ سال بوده است. این عدد که از سال وفات او گردد، سال تولد فغانی حدود ۸۶۰ می‌شود. در حالی که عمر آصفی هروی ۷۰ و سال وفات او ۹۲۳ است. پس سال تولد آصفی باید ۸۵۳ باشد. با این حساب، آصفی هروی حدود هفت سال از فغانی بزرگ‌تر و مقدم بر او بوده است.

در این میان، فتوحی بدون ذکر منبع، سال وفات آصفی را ۹۳۵ ق. نوشته است. (رک: فتوحی، ۱۳۹۹: ۳۱ و ۳۹۱)؛ امری که مورد تأیید هیچ‌یک از منابع قدیم قرار ندارد. او شاعران سده دهم را بر مبنای تاریخ وفات آنان تقدیم و تأخیر کرده است و بر همین مبنای جایگاه نخست را به فغانی شیرازی داده است؛ در حالی که اصولاً این جایگاه باید به آصفی هروی داده می‌شد.

فغانی شیرازی ۳۰ سال نخست عمرش را در شیراز سپری کرده و سپس به خراسان (مشهد و هرات) و آذربایجان (تبریز) رفته است. با توجه به سال تولد فغانی و مدت زمان اقامت اولیه او در شیراز، می‌توان به این نتیجه دست یافت که فغانی در اوایل دهه اخیر سده نهم وارد هرات شده است. این موضوع را دو نکته دیگر نیز تأیید می‌کند؛ یکی سخن تذکره‌نویسان که گفته‌اند فغانی در اواخر دور جامی (متوفای سال ۸۹۸ هـ) به هرات رفته است؛ دو دیگر آن که فغانی دربار سلطان یعقوب (متوفای سال ۸۹۶ هـ) را پس از هرات در تبریز دریافته است.

آصفی قبل از ورود فغانی به هرات، شاعری مشهور بوده و در محافل ادبی آن زمان اسم و رسمی داشته است. وی سبک خاص خود را به پیش می‌برده و جامی شعر او را پس از شعر دیگر شاعران استماع می‌کرده تا چندی کام‌ها بدان شیرین باشد (مصصام‌الدوله، ۱۳۸۸: ۳۵۷). هم‌زمانی این دو شاعر اگرچه کار تفکیک تقدم و تأخر آن دو را در کار سرودن تا حدی مشکل می‌سازد؛ اما تقدم زمانی هفت‌ساله آصفی بر فغانی و این که سبک شعر او پرورش یافته در محیط هرات بوده، امری مسلم است.

درحالی که جایگاه شعر فارسی در دیگر شهرها برابر با هرات آن زمان نبوده است. البته این نکته نیز قابل توجه است که فغانی را بیرون از حوزه ادبی هرات نمی‌توان برشمرد؛ زیرا مکتب ادبی وابسته به جغرافیایی خاص نیست. شیوه او همان شیوه پرورش یافته مکتب هرات است.

۲-۲-۱. جایگاه اجتماعی دو شاعر

آصفی هروی از جمله بزرگ‌زادگان بوده است. پدرش خواجه نعمت‌الله وزیر سلطان ابوسعید و پدریزرگش مولانا علاء‌الدین علی، به‌روزگار امیر تیمور وزیر او بوده است (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۱۸). به جهت این که وزیرزاده بوده آصفی تخلص کرده است (بابرشاه، ۱۳۸۸: ۱۱۶). درعین حال، آدمی خوش‌پوش بوده و به زیبایی جامه و خودآرایی توجهی خاص داشته است. تا جایی که این کار او مورد انتقاد نوایی قرار گرفته و درباره او نوشته است که: «اوقات شریف خود را به رعنائی و خویشتن‌آرایی می‌فرساید» (نوایی، ۱۳۶۳: ۵۸). آصفی درعین حال شاگرد مولانا جامی بوده و نزد استادش منزلتی خاص داشته است (صمصام‌الدوله، ۱۳۸۸: ۳۵۷) و با اشخاصی چون امیرعلی شیر نوایی و بدیع‌الزمان میرزا معاشرت و احتمالاً از می‌گساری فراغت داشته است؛ چنان که در این بیت گفته است:

غنچه بر مشرب من، خنده زد و خرده گرفت که صراحی نگرفتم، می بی‌غش نزد
(آصفی، ۱۳۴۲: ۱۴۹)

آصفی هم‌تی نیز بلند داشته و در یوزگی همت از بی‌دردان نمی‌کرده و چه بسا که منظورش از بی‌دردان صاحبان قدرت باشد:

آصفی در یوزه همت ز بی‌دردان دردمندان بلاکش را چو همت سوی
(همان: ۳۵)

فغانی شیرازی از طبقه کارگر جامعه بود. پدر و برادرش کاردگری می‌کردند و او نیز همان پیشه را اختیار کرد و چون شعری نیز می‌ساخت سکاکی تخلص می‌کرد؛ ولی بعدها تخلص فغانی را برای خود برگزید (صفا، ۱۳۶۳: ۴۱۱). در اوایل حال با رندان و قلاشان لابلالی در کنج می‌کده‌ها به‌سر می‌برد و در اواخر در مشهد توفیق توبه یافت. وقتی به خدمت سلطان یعقوب رسید ترقی کلی کرد و او را بابا شاعر می‌گفتند. در ایبورد به حمایت حاکم آن جا روزانه یک من شراب و یک من گوشت برایش مقرر کرده بودند (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۷۶). فغانی درعین حال شاعری شوریده بود که در تمام مدت عمر اصلاً به مال و منال دنیا دل نبسته و بهره او از زندگی جز بی‌خودی در گوشه میخانه‌ها چیز دیگری نبود (خوانساری، ۱۳۱۶: ۶).

تفاوت وضع اجتماعی آصفی و فغانی البته بر روان آن دو تأثیر خاص خود را داشته است؛ هرچند در شعر آصفی، سوز و گداز عاشقانه و درد هجران یار و و شکوه از نارفتی دوستان، نمود دارد؛ اما به نظر می‌رسد آن سوز و دردی که در شعر فغانی تبلور یافته و شعرش را در ردیف فغانیات قرار داده در شعر آصفی جلوه کمتری دارد.

۲-۲-۲. جایگاه ادبی آصفی هروی و فغانی شیرازی

آصفی هروی از پیشگامان مکتب نازک خیال هرات است. برای بیان جایگاه او در شعر فارسی، دیدگاه تعدادی از تذکره‌نویسان را می‌آوریم. دولتشاه سمرقندی، سخنان او را «خیال‌پرور»، «ایهام‌اندیش» و «دُرّ صدف معانی» توصیف کرده است (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۱۸)؛ در *مجالس النفائس* آمده که: «طبعش چندان که تعریف کنند، هست» (نوایی، ۱۳۶۳: ۵۸). نویسنده *مکارم الاخلاق* او را سرآمد شعرا و ظرفای زمان خوانده است (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۴۶). سام‌میرزا می‌نویسد که: از سایر شعرای روزگار امتیاز تمام داشت (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). صاحب *تذکره‌التواریخ*، اشعارش را خیال‌پرور توصیف کرده است (کابلی، ۱۳۹۲: ۳۸۰). و نویسنده *نفایس المآثر* او را سرغزل‌نکته‌سرایان بوستان براعت و بلاغت خوانده است (کامی‌قزوینی، ۱۳۹۵: ۸۹).

صاحب *تذکره آفتاب عالمتاب آصفی* را «نکته‌پرور» و اشعارش را دارای «معانی پیچیده» توصیف کرده است (اختره‌وگلی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۱۱۵). خان آرزو اشعارش را بی‌نیاز از انتخاب می‌داند (آرزو، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۷۵-۷۶). و نویسنده *سفینه خوشگو* نوشته است که: «شبی میرزا بیدل بر این دو بیت او بسیار محظوظ بودند و فقیر خوشگو حاضر بودم که مکرر می‌فرمودند که بیت آخرین، قیامت است:

تا برافروخته از آتش می روی سفید شمع پیرانه‌سر آتش زده بر موی سفید

در شفق دید مه عید و اشارت‌ها کرد پیر ما سوی می سرخ به ابروی سفید

(خوشگو، ۱۳۸۹: بخش ۲/ ۱۹)

جایگاه ادبی فغانی شیرازی نیز برجسته است. او را صاحب سبک و طراح طرز تازه دانسته و سخنش را خیال‌انگیز و دارای تصویرهای نو و نازک خوانده‌اند. نوایی نوشته است که: «بسیار خوش طبع و ظریف بود» (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۰۷). اوحدی او را صاحب روش تازه متین می‌داند (اوحدی، ۱۳۸۸: ج ۵/ ۲۸۸۳). والّه داغستانی درباره او گفته است: «مس سخن را در بوتّه فکر گداخته و به اکسیر جوهر طبع طلای احمر ساخته است» (والّه داغستانی، ۱۳۸۴: ج ۳/ ۱۶۱۶). نویسنده *شمع انجمن فغانی* را «طراح طرز تازه‌بیانی» معرفی کرده است (صدیق، ۱۳۹۴: ۵۶۶). در *آفتاب عالمتاب*، فغانی «نیرنگ طراز سخن و اعجاز‌پرداز این

فن خواننده شده است (اختره‌وگلی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۳۷۴). خوشگو نوشته که: بسیار شیرین کلام و در این فن صاحب نام است (خوشگو، ۱۳۸۰: بخش ۲/ ۵۳۰). و در نگارستان سخن آمده که: «در فن غزل از جمیع شعرای عصر خود ممتاز بود» (صمصام‌الدوله، ۱۳۸۸: ۳۵۹).

صفا غزل‌های وی را ساده و روان و منسجم و دل‌پذیر و پر از تعبیرات و ترکیبات جدید توصیف کرده است (صفا، ۱۳۶۴: ج ۴/ ۴۱۴). محمود فتوحی نوشته که: در تصویرها و نوع تخیلات شعری وی نوآوری‌هایی مثل خیال‌های نازک و دقیق و سوز و گدازهای تند در عشق زمینی دیده می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۹: ۱۰۸). و صاحب کتاب طرز تازه، توجه تذکره‌نویسان به شعر فغانی را حاکی از آن می‌داند که شعر او از تازگی خاصی برخوردار بوده است (حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۵۱).

۲-۲-۳. تأثیرگذاری آصفی هروی و فغانی شیرازی بر دیگر شاعران

آصفی هروی و فغانی شیرازی از جمله شاعران پیشرو و پیشوا در سبک نازک خیال اند. این دو هم در زمان حیات و هم پس از وفات‌شان، برای تعدادی از شاعران در نقش پیشوا ظاهر شده و آنان را به پیروی از خود برانگیخته‌اند. آصفی گاهی چنان پیروانی داشته که جز شعر او شعر دیگری را قبول نداشتند. درباره میرمسعود آمده که: «در طرز غزل تتبع خواجه آصفی می‌کرد و هر قسم شعری که بدان طرز واقع نبود در نظر امتیازش تزویق می‌نمود و غزلیات شعرای دیگر را مطلقاً پسند نمی‌فرمود» (کاشانی، ۱۳۸۴: ۶۴۶).

از دیگر پیروان آصفی هروی می‌توان از خواجه عنایت، میر اشکی قمی، مولانا حسن علی، درویش بیک پیروی، واله‌ی بخاری (رفایی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۱۱)، مولانا صیرفی (کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۰۱)؛ مولانا فدایی (همان: ۲۲۴)؛ مولانا کوثری هروی (کابلی، ۱۳۹۲: ۳۶۴) و میلی قزوینی (کامی قزوینی، ۱۳۹۵: ۵۴۶)، نام برد.

به همین گونه، فغانی شیرازی نیز پیروان و شیفتگان خاص خود را داشته است. واله داغستانی که خود از پیروان فغانی است او را مخترع طرز تازه معرفی کرده است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ج ۳/ ۱۶۱۶). درباره میر شمس‌الدین فقیر دهلوی آمده است که: «در فن غزل متبّع طرز بابافغانی است» (بنارسی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). و قاضی علایی یکی دیگر از متبّعان فغانی است (کاشانی، ۱۴۰۱: ۳۰۵).

از دیگر شاعران متبّع شعر فغانی، می‌توان از وحشی یزدی، نظیری نیشابوری، ضمیری اصفهانی، حسین ثنایی، عرفی شیرازی، حکیم شفایی، مسیح و محتشم کاشانی نام برد (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ج ۳/ ۱۶۱۸).

۲-۲-۴. جایگاه دو شاعر در روزگار معاصر

پس از چاپ دیوان فغانی در تهران (۱۳۱۶) و دیوان آصفی در هرات (۱۳۳۷) انتظار می‌رفت این دو شاعر توجه پژوهش‌گران عرصه ادب فارسی را برانگیزند. این اتفاق درباره فغانی افتاد و دیوانش به تکرار چاپ شد و پژوهش‌هایی درباره وی صورت گرفت. دیوان آصفی اگرچه یک‌بار دیگر در تهران (۱۳۴۲) تصحیح و چاپ شد؛ اما خود شاعر هم چنان گمنام ماند. تا سال ۱۳۸۱ که «سمینار بزرگداشت و شناخت آصفی هروی» در هرات برگزار شد، آصفی حتی برای جامعه دانشگاهی هرات نیز تقریباً ناشناخته بود.

ره‌یاب، استاد دانشگاه هرات نوشته است: «در آغاز از سر ناآگاهی، می‌اندیشیدم که آصفی از غزل‌سرایان درجه سوم، چهارم، پنجم و حتی ششم و هفتم باشد» (ره‌یاب، ۱۳۸۱: ۳۰). نوشتار ره‌یاب، در عین حال که از ناشناختگی آصفی تا آن زمان سخن دارد؛ بر این نکته تصریح می‌کند که از نظر او آصفی دست کم در میان غزل‌سرایان در جایگاه دوم قرار گرفته است. طینت، درباره آصفی نوشته که «از قدرت بیان و مقام منبع وی در شعر بی‌خبر بوده‌ام» (طینت، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

اگرچه صفا، سبک آصفی را در سخن، قدمی قاطع در ظهور سبک مشهور به «هندی» دانسته و نوشته: «عجب آن است که همه اختصاصات سبک مذکور با آن که هنوز دوره رواج قطعی آن نبود، در اشعار وی لفظاً و معنأ دیده می‌شود» (صفا، ۱۳۶۳: ج ۴/ ۳۷۰)؛ اما به نظر می‌رسد که به جز او، دیگر پژوهش‌گران ایرانی به جایگاه ادبی آصفی تا این اواخر توجهی نداشتند. امری که باعث شد آصفی و شعرش ناشناخته بماند و تنها فغانی به عنوان آغازگر سبک نازک خیال معرفی شود.

۲-۲-۵. هم‌گونی قافیه، ردیف و وزن در شعر دو شاعر

در دیوان آصفی و فغانی، تعدادی قابل اعتنا غزل وجود دارد که از لحاظ وزن، قافیه و ردیف، شبیه هم‌اند. به دو دلیل فرض ما بر این است که فغانی از شعر آصفی تتبع کرده است: نخست، آن که قبل از ورود فغانی به هرات، آصفی شاعری به شهرت رسیده و خیال‌پروری و ایهام‌اندیشی او زبان‌زد بوده است؛ دیگر آن که شعر نازک خیال قبل از ورود فغانی به هرات، در این شهر در حال پردازش بوده و با آصفی به نقطه تشخیص سبک رسیده است. در این جا لازم است به پژوهش لاسنسکی نیز اشاره شود که موارد استقبال فغانی از جامی را ۵۲ غزل ذکر کرده؛ در حالی که استقبال او از حافظ فقط ۱۲ غزل است (به نقل: مؤذنی و ضیغمی، ۱۳۹۰: ۳۲). این نکته تأکیدی است بر این که فغانی از دیگر شاعران مکتب هرات نیز تأثیر پذیرفته است.

آصفی:

صورتگران هلاکم از آن سیم‌تن جدا سازید صورتی که نباشد ز من جدا

(آصفی هروی، ۱۳۴۲: ۳)

فغانی:

روزی که تن ز جان شود و جان ز تن هریک جدا ز عشق تو سوزند و من

(فغانی شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰۱)

آصفی:

مجو گلزار دهر و سایه سرو سهی آن‌جا که هست آسیب درد و نیست امید بهی آن‌جا

(همان: ۱۲)

فغانی:

به هر سرچشمه کان آرام جان زد خرگهی به‌عشرت با می و معشوق بنشیند مهی

(همان: ۸۶)

به‌همین‌گونه و بر اساس دیوان‌های چاپی دو شاعر تعداد دیگری از غزل‌های آصفی که توسط فغانی

تتبع شده، قرار جدول زیر است:

دیوان آصفی هروی (۱۳۴۲) شماره‌های غزل‌ها:		دیوان فغانی شیرازی (۱۳۵۳) شماره‌های غزل‌ها:
۲۰		۳۱
۳۴		۷۶
۹۴		۱۷۹ و ۲۴۴
۹۹		۲۲۸
۱۰۰		۱۷۱
۱۶۳		۱۹۰
۱۷۲		۳۱۰
۲۰۷		۳۶۹

۲-۲-۶. کاربرد واژه‌های خاص و عامیانه

کاربرد واژه‌های عامیانه در قالب شعر، اگرچه در مسیر شعر فارسی بی‌پیشینه نیست؛ اما این ویژگی از شاخصه‌های اصلی مکتب ادبی هرات به‌شمار می‌آید. کثرت شاعران از گروه‌های مختلف اجتماعی در

سدهٔ نهم که شعر را از دربار به راستهٔ بازار کشاندند، در ایجاد این روش تأثیر زیاد داشته است. در کتاب *طرز تازه آمده است که*: «اساساً بابا فغانی برای نخستین بار زبان بازار را به عنوان جزئی از زبان غزل معرفی و تثبیت کرد» (حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۵۵). در حالی که این شاخصه، قبل از فغانی به گونهٔ چشمگیر در مکتب ادبی هرات سدهٔ نهم کاربرد داشت.

انگیز (= قصد و تحریک)

آصفی هروی:

نرگست در عین مستی فتنه انگیزد مدام اختیاری نیست او را این همه انگیز تست

(همان: ۲۶)

فغانی شیرازی:

انگیز خارخار دل ریش عاشق است دادن به دست باد گل عنبرینه را

(همان: ۱۶)

گل زمین (= جای خوب زمین)

آصفی هروی:

در هر گل زمین که رخت بر هلاک گل گل، زمین ز خون دل چاک چاک

(همان: ۳۰)

فغانی شیرازی:

در هر گل زمین که نشینی شود بهشت هر جا که در خرام در آیی چمن شود

(همان: ۱۱۴)

انگار کردن (= فرض کردن)

آصفی هروی:

خواهی که بر آرم ز دل سوخته آهی انگار کز آتشکده ای دود بر آمد

(همان: ۷۲)

فغانی شیرازی:

بر باد اگر رود دل ما در هوای تست انگار کز حریم چمن غنچه ای کم است

(همان: ۴۷)

آموخته (= خوی و عادت کرده)

آصفی هروی:

دانه صبر بسی ریختم و رام نشد
که به خال سیهت مرغ دل آموخته بود
(آصفی هروی، ۱۳۴۲: ۷۳)

فغانی شیرازی:

افکنده عنان و شده بی‌باک به یکبار
آموخته با خون شکاری عجب از تو
(فغانی شیرازی، ۱۳۱۶: ۱۹۸)

یارا (=توان و جرأت)

آصفی هروی:

نگویم چیست بالای لب خال
که یارا نیست گفتن زیر لب نیز
(همان: ۱۱۵)

فغانی شیرازی:

آن که بی‌شهد ولای او دهان طفل را
نیست آن یارا که آلاید لبان را از لب
(فغانی شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۱)

روان کردن (=فرستادن)

آصفی هروی:

روان کنم ز چه رو با تو نامه گاه درود
مرا که حد نرسد نامه هم روان کردن
(همان: ۱۸۷)

فغانی شیرازی:

جان را به دست باد چو سویت روان کنم
لرزد دلم مباد که سوی دگر برد
(همان: ۱۰۲)

۲-۲-۷. تکرار قافیه در شعر دو شاعر

تکرار قافیه از ویژگی‌های معمول شعر نازک خیال است. از آن‌جا که شاعر این روش در پس پیدا کردن معنای تازه است از تکرار قافیه ابایی ندارد. از این رو تکرار قافیه در سبک نازک خیال، نه تنها عیب شمرده نمی‌شود، بلکه یک ویژگی به حساب می‌آید.

تکرار قافیه در دیوان آصفی به تناسب دیوان فغانی کمتر است. در ترکیب ۵۰ غزل نخست دیوان او، تکرار قافیه ۸ مورد و در ۵۰ غزل نخست دیوان فغانی، این تکرار ۱۳ مورد است و در هر دو دیوان،

قافیه یک‌بار تکرار شده است. درحالی که تکرار قافیه در شعر ادامه‌دهندگان این راه سیر صعودی را نشان می‌دهد و گاه در ترکیب یک غزل بیشتر از دو مورد است.

با توجه به سیر صعودی تکرار قافیه در مکتب نازک خیال و این که مثلاً در شعر صائب تبریزی این تکرارها به ۴۱ مورد در ۵۰ غزل نخست دیوان او می‌رسد (حسن‌پورآلشتی، ۱۳۸۴: ۶۲)؛ در یک مقایسه می‌توان گفت که آصفی از لحاظ پرداختن به کار شعر، مقدم بر فغانی بوده است. چون ۸ مورد تکرار قافیه در ۵۰ غزل نخست دیوان او به ۱۳ مورد در دیوان فغانی و به ۴۱ مورد در شعر صائب رسیده است.

۲-۲-۸. کاربرد ردیف در شعر دو شاعر

آصفی به آوردن ردیف در شعر خود توجه خاصی دارد؛ امری که باعث افزایش موسیقی کناری شعر می‌شود. در پنجاه غزل نخست دیوان آصفی کاربرد ردیف ۴۷ مورد است و برخی از این ردیف‌ها طولانی است. پنجاه غزل نخست دیوان فغانی همه مردف و برخی از ردیف‌ها طولانی‌اند. نمونهٔ ردیف طولانی در شعر دو شاعر:

آصفی هروی:

چارهٔ دل دور از آن رخساره کردن مشکل دل که شد بی‌چاره او را چاره کردن مشکل

(همان: ۳۳)

مشکبیز آمد صبا، موی توام آمد به یاد عطرپرور شد هوا بوی توام آمد به یاد

(همان: ۸۴)

شادی نپسندی به جفایی چه توان کرد سلطان نکند یاد گدایی چه توان کرد؟

(همان: ۹۴)

فغانی:

آه کامشب دیده‌ام خوابی که می‌سوزد مرا خورده‌ام جایی می‌نابی که می‌سوزد مرا

(همان: ۱۷)

آزاده‌تر از بلبل باغ است دل ما کبک قفس کنج فراغ است دل ما

(همان: ۱۸)

دهی حیات ابد این دم از تو نیست عجب به یک کرشمه کشی، این هم از تو نیست

(همان: ۲۱)

۲-۲-۹. استقلال بیت در شعر آصفی هروی و فغانی شیرازی

استقلال بیت یکی دیگر از ویژگی‌های شعر نازک خیال است. آغاز آن به‌عنوان یک ویژگی سبکی به روزگار تیموریان هرات برمی‌گردد. استقلال بیت در غزل آصفی و فغانی نمود چشمگیر دارد.

آصفی هروی:

ز ابر حادثه چون داغ‌های آبله ماند نشان ژاله تن زار خاکساران را

(آصفی هروی، ۱۳۴۲: ۱)

به‌سوی تیغ برد دست و من هلاک شوم ز بیم آن‌که بگیرند دست یار مرا

(همان: ۴)

گر ز باغ گلبن راحت در این باغ آصفی گل به‌دستم نیست در پا خار استغنا بس

(همان: ۲۲)

فغانی شیرازی:

بس که می‌خوانند دل‌ها را به کویت بلبلان را در گلستان‌ها گرفت آوازاها

(فغانی شیرازی، ۱۳۱۶: ۳)

رمید خواب خوش از چشم ما کجاست خیال که آرمیده شود چشم خواب‌جسته ما

(همان: ۵)

شهر ز آمدشدنت گشت پریشان و هنوز کس ندانست مه من که سرای تو

(همان: ۳۸)

۲-۱۰. کاربرد اسلوب معادله در شعر آصفی و فغانی

اگرچه اسلوب معادله در شعر گذشتگان کم‌وبیش به کار رفته است؛ اما کاربرد آن چونان شاخص سبکی، از ویژگی‌های مهم مکتب نازک خیال است. شفیع کدکنی می‌گوید این اصطلاح را او ساخته است و آن ساختار مخصوص نحوی است که دو مصراع از لحاظ نحوی کاملاً مستقل باشند و هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آن‌ها را حتی معنأ به هم پیوند ندهد (شفیع کدکنی: ۱۳۶۶: ۶۳). مسعود رجایی، وقوع برخی از ویژگی‌های سبک هندی را در شعر آصفی نادر یا مفقود می‌داند و یکی از آن جمله، اسلوب معادله است (رجایی، ۱۳۸۱: ۵۴)؛ اما داوود منیر بسامد این اسلوب را در شعر آصفی، در حد شاخص سبکی می‌داند (منیر، ۱۳۹۴: ۲۴). این ویژگی در شعر فغانی نیز حضور دارد.

آصفی هروی:

نریخت درد می و محتسب ز دیر گذشت رسیده بود بلایی ولی به‌خیر گذشت

(آصفی هروی، ۱۳۴۲: ۱۸)

تو هم در آینه حیران حسن خویشتنی
زمانه‌ای است که هرکس به خود

(همان: ۲۴)

شبنم خیال تو در دیده بیم طوفان داد
ز حال بحر به مردم خبر دهد ملّاح

(همان: ۵۱)

روان کنم ز چه رو با تو نامه گاه درود
مرا که حد نرسد نامه هم روان کردن

(همان: ۱۸۷)

فغانی شیرازی:

هر زمان از عشق پاک آن شوخ با من خوش تر
بیش خاصیت دهد هرچند می بی غش تر

(فغانی، ۱۳۱۶: ۵۳)

مرد صاحب‌دل رساند فیض در موت و
شاخ گل چون خشک گردد وقت سرما

(فغانی: ۴۲)

از گرمی می بود که آن غمزه برآشفت
بی جوشش خونی رگ قصاب نخیزد

(فغانی: ۸۶)

۲-۱۱-۲. تصویرهای پارادوکسی

منظور از تصویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن به لحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض می‌کنند؛ مثل «سلطنت فقر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۴). نمونه این گونه تصویرهای پارادوکسی را در همه ادوار شعر فارسی می‌توان یافت. در دوره‌های نخستین اندک و ساده است و در دوره گسترش عرفان به‌ویژه در ادبیات مغانه نمونه‌های بسیار دارد و در شعر سبک هندی، بیدل بیشترین نمونه‌های این گونه تصویرها را ارائه می‌کند (همان: ۵۷). تصویرهای پارادوکسی یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که به‌قول رجایی در شعر آصفی حضور ملموس ندارد (رجایی، ۱۳۸۱: ۵۴)؛ اما چنان که خواهد آمد، این گونه تصویرها در شعر آصفی و به تبع آن در شعر فغانی، هم در سطح کلمه و هم کلام نمود چشمگیر دارد.

آصفی هروی:

کاسه سر شد قدح از گردش دوران مرا
دارد این دیر خراب‌آباد سرگردان مرا

(آصفی، ۱۳۴۲: ۷)

مرده‌مرده زیستم شام فراغت بهر آن
شعله‌آهم نمودی گاه بلند و گاه پست

(همان: ۴۰)

مساز مرهم آزار بهر درد دلم که در هوای تو خواهد طپید و دور

(همان: ۴۳)

چندان می‌اش دهید که بی‌هوشی آورد شاید که یاد ما به فراموشی آورد

(همان: ۹۵)

فغانی شیرازی:

سحاب قهر او هر گه که باران بلا بارد خراب آباد عالم را بود سیل فنا خارب

(فغانی، ۱۳۵۳: ۹)

در دل نشانم هرنفس خار تو در گلزارها شاید که روزی بر دمد شاخ گلی زین

(فغانی، ۱۳۱۶: ۲)

کم‌تر ز هر کمیم و کم از کم‌تریم هم بر خود هزار بار نیفزوده‌ایم ما

(همان: ۱۵)

از کجا برخاستی امروز سرو من که باز دارد آن روی چو گل آبی که می‌سوزد

(همان: ۱۷)

۲-۲-۱۲. مدح و ممدوح در شعر آصفی و فغانی

آصفی شاعری غزل‌سرا است و چند رباعی و قطعه و ترکیب‌بند نیز دارد. مثنوی‌ای بر وزن مخزن‌الاسرار داشته که شهرت نیافته (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۶۵) و اکنون مفقود است. «غیر از غزل به انواع دیگر شعر کمتر پرداخته است» (بابر، ۱۳۸۸: ۱۱۶). در دیوان آصفی قصیده‌ای نیست؛ همان نوع شعر که معمولاً کاربرد مداحانه دارد. او برخلاف بیشتر معاصران خود از مدّاحی گریزان بوده و جز در «پیر خرابات»، حلقه بر هیچ دری نروده است:

جز در پیر خرابات، در این دیر خراب حلقه بر هیچ دری بهر فروکش نرادم

(آصفی، ۱۳۴۲: ۱۵۰)

فغانی شیرازی در عین حال که شاعری غزل‌سرا است، قصایدی نیز دارد. بخشی از قصاید او در مدح امامان دین است؛ اما بخشی دیگر از قصاید او به مدح پادشاهان روزگارش اختصاص یافته است. پادشاهانی که گاه دستشان به خون هزاران انسان آلوده بوده، مانند شاه اسماعیل صفوی که مورد ستایش

فغانی قرار گرفته است. سلطان یعقوب آق قویونلو، سلطان بایسنقر و سلطان رستم آق قویونلو از دیگر ممدوحان فغانی اند.

گلبن گلزار دین یعقوب سلطان کز شرف خاک پای اوست در چشم اولوالبصار

(فغانی، ۱۳۵۳: ۳۶)

۳. نتیجه گیری

برخلاف روایت اوحدی بلیانی در تذکره عرفات العاشقین که از عدم استقبال از فغانی شیرازی و شعر او در هرات سخن گفته است و این روایت واحد در پژوهش‌های معاصر بازتابی چشمگیر یافته است؛ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فغانی شیرازی در هرات استقبال شده است. جامی و نوایی شعری را ستوده‌اند و دربار هرات به روی او گشوده شده است. فغانی در هرات از مکتب نازک خیال که در آن سامان هستی داشته، به‌ویژه از شعر نماینده تمام‌عیار این مکتب، آصفی هروی، تأثیر پذیرفته و در مواردی از آن تبع کرده است. در عین حال برخی از شاعران هرات مانند مولانا جارویی از فغانی پیروی کرده‌اند. در واقع فغانی شیرازی هم‌چنان که از مکتب هرات تأثیرپذیر بود، بر برخی از شاعران آن مکتب تأثیر گذاشت. تبع فغانی شیرازی از شعر آصفی هروی، در وزن و قافیه و ردیف چشم‌گیر است و شباهت‌های شعر او از نظر سادگی زبان، کاربرد اصطلاحات عامیانه و کاربرد واژگان خاص، شباهت زیادی با شعر آصفی هروی دارد. هر دو شاعر از صنعت‌های ادبی ویژه مکتب نازک خیال به‌گونه هم‌سان کار گرفته‌اند و از نظر محتوا نیز شعر دو شاعر هم‌گونی‌های قابل اعتنا دارد. با توجه به تقدم زمانی آصفی هروی بر فغانی شیرازی و با توجه به این که تمام ویژگی‌های مکتب نازک خیال در شعر آصفی نمود دارد، او را باید بنیان‌گذار مکتب نازک خیال خواند. هم‌چنان که نقش فغانی شیرازی و پیروان او را در این راستا نباید نادیده انگاشت.

پی‌نوشت

(۱). سکاکی: اگرچه به‌عنوان غلطی مشهور و مصطلح در منابع مربوط به فغانی آمده، لیکن مطابق قواعد صرف عربی «سکاک» از ماده «س ک ک» به‌معنای سگه‌ساز است؛ درحالی که معادل «کاردگر» یا به‌گفته خودمان «چاقوساز» در زبان عربی «سگان» از ماده «س ک ن» خواهد بود که از همین ماده «سکین» یعنی کارد یا چاقو است؛ بنابراین، راه رفع این مشکل، با توسل به حدس و ظن و از دو طریق خواهد بود: یکی این که بگوییم حرفه اولیه فغانی سگه‌سازی بوده و نه چاقوسازی؛ دو دیگر این که اصل کلمه چیزی چون «سگانی» (به نون) به‌معنای همان چاقوساز بوده باشد، والله اعلم (نقل از سعید حمیدیان).

منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی خان (۱۳۸۳)، *تذکره مجمع‌النفایس*، تصحیح زین‌النساء علی‌خان، ج ۱، چاپ اول، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- آصفی، هروی (۱۳۴۲)، *دیوان آصفی هروی*، تصحیح هادی ارفع، چاپ اول، تهران: طهوری.
- اختره‌گل، محمدصادق (۱۳۹۳)، *تذکره آفتاب‌العلمتاب*، تصحیح مریم برزگر، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: سفیر اردهال.
- اوحدی، تقی‌الدین (۱۳۸۸)، *تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، تصحیح سیدمحسن ناجی، ج ۱ و ۵، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- بابر، ظهیرالدین محمد (۱۳۸۸)، *بابرنامه*، ترجمه شفیه یارقین، چاپ اول، کابل: وزارت امور خارجه.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵)، *تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر*، ترجمه بهرام مقدادی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- بنارسی، علی ابراهیم خلیل (۱۳۸۵)، *صحف ابراهیم*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حسین‌پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴)، *طرز تازه*، تهران: سخن.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۸)، *مکارم‌الاخلاق*، تصحیح محمداکبر عشیق، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- خوشگو، بندرین داس، (۱۳۸۹)، *سفینه خوشگو*، تصحیح سیدکلیم اصغر، بخش دوم، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲)، *تذکره‌الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- رجایی، محمدمسعود (۱۳۸۱)، «سهم آصفی هروی در پایه‌گذاری مکتب هندی»، *اندیشه*، سال اول، شماره سوم، ۴۴-۵۴.
- رفایی قدیمی مشهد، رضا و مریم صالحی‌نیا (۱۳۹۵)، «سبک شعری نازک‌خیال قرن ۱۰ و اهمیت ناحیه خراسان در اشاعه آن» *ویژه‌نامه شبه‌قاره*، شماره ششم، ۹۳-۱۱۱.
- رفایی قدیمی مشهد، رضا و مریم صالحی‌نیا (۱۳۹۷)، «آصفی هروی، یکی از پیشگامان سبک نازک‌خیال هندی در قرن ۱۰»، *ویژه‌نامه شبه‌قاره*، شماره هشتم، ۱۰۳-۱۲۲.
- ریاب، محمدناصر (۱۳۸۱)، «درس زندگی و مردم‌گرایی در سخن آصفی»، *اندیشه*، سال اول، شماره سوم، ۲۹-۴۳.
- ریکا، یان و دیگران (۱۳۷۰)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، چاپ اول، تهران: گوتمبرگ و جاویدان خرد.

- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی (۳)*، تهران: فاطمی.
- زیپولی، ریکاردو (۱۳۶۳)، *چرا سبک هندی در دنیای غرب سبک باروک خوانده می‌شود؟*، چاپ اول، تهران: انجمن فرهنگی ایتالیا.
- صدیق، حسن خان (۱۳۹۴)، *تذکره شمع انجمن، تصحیح محمد کاظم کهدویی*، چاپ دوم، یزد: دانشگاه یزد.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳) *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۴/ چاپ دوم، تهران: فردوس.
- صفوی، سام‌میرزا (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی، تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ*، تهران: اساطیر.
- صمصام‌الدوله، عبدالرزاق (۱۳۸۸)، *بهارستان سخن، تصحیح عبدالمحمد آیتی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طینت، عزیزاحمد (۱۳۸۱)، «جایگاه آصفی در غزل‌سرایی»، *اندیشه*، سال اول، شماره سوم، ۱۶۳-۱۷۰.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۹)، *صدسال عشق مجازی*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- کابلی، عبدالله (۱۳۹۲)، *تذکره‌التواریخ، تصحیح علیرضا قوجه‌زاده*، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فغانی، شیرازی (۱۳۱۶)، *دیوان، تصحیح سهیلی خوانساری*، چاپ اول، تهران: اسلامیه.
- فغانی، شیرازی (۱۳۵۳)، *دیوان، تصحیح سهیلی خوانساری*، چاپ دوم، تهران: اقبال.
- کامی قزوینی، علاءالدوله (۱۳۹۵)، *تذکره نفایس‌المآثر، تصحیح سعید شفیعیون*، چاپ اول، تهران: کتابخانه مجلس و دانشگاه آزاد اسلامی.
- کریم‌اف، عثمان (۱۳۹۰)، *ادبیات فارسی در سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی*، ترجمه مرتضی رزم‌آرا، تهران: شهریاران.
- لکهنوی، آفتاب‌رای (۱۹۷۹)، *ریاض‌العارفین، تصحیح سیدحسام‌الدین راشدی*، ج ۲/ چاپ اول، راولپندی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- مؤذنی، علی محمد و امیر ضیغمی (۱۳۹۰)، «تأثیر بابا فغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی»، *گوهر دریا*، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، ۱۹-۴۲.
- منیر، محمد داوود (۱۳۸۴)، «اسلوب معادله و جایگاه آن در شعر فارسی»، *غالب*، شماره ۴، ۱۳-۳۶.
- نظمی تبریزی، علی (۱۳۷۸)، *دویست سخنور*، چاپ اول، تهران: سروش.
- نعمانی، شبلی (۱۳۶۳)، *شعرالعجم، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی*، ج ۳، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- نوایی، علی شیر (۱۳۶۳)، *تذکره مجالس‌النفائس، تصحیح علی اصغر حکمت*، چاپ اول، تهران: منوچهری.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹)، *بدایع‌الوقایع، تصحیح الکساندر بالدیروف*، ج ۱/ چاپ دوم، تهران: بنیاد

فرهنگ ایران.

واله داغستانی، علی قلی (۱۳۸۴)، *ریاض الشعراء*، تصحیح سیدمحسن ناجی، ج ۱/ چاپ اول، تهران: اساطیر.**References**

- Akhtarhugli, M. S. (2013). *Aftab Alamtab's Tazkereh*, corrected by Maryam Barzegar, vl.1 and 2/first editin, Tehran, Safir Ardehal.
- Arez, S. A. (2013). *Majmaal Nafais Taskereh, Zaib Al-Nasa Ali Khan*, Vl. 1, First Editin, Islamabad, Persian Research Center f Iran and Pakistan.
- Asefi, H. (1963). *Diwan Asefi Heravi*, crrected by Hadi Arfa, first editin, Tehran, Tahri.
- Baber, Z. M. (2009). *Babarnameh, translated*, by Shafieh Yarqin, first editin, Kabul, Ministry f Freign Affairs.
- Banaresi, A. E. K. (2006). *Saaf Ebrahim*, edited by Mirhashem Mohhaddeth, Tehran, Association of Cultural artifacts and perminences.
- Brown, E. (1996). *History of Iranian Literature from Safavid to the present era*, translated by Bahram Meqdadi, second editin, Tehran, Morvarid.
- Faghani, S. (1937). *Divan*, edited by Sheili Khansari, first editin, Tehran, Islamiyyah.
- Faghani, S. (1974). *Divan*, edited by Sheili Khansari, second editin, Tehran, Iqbal.
- Fathi, M. (2019). *hundred years of virtual live*, second editin, Tehran, Sokhan.
- Hosseinpur Alashti, H. (2005). *Tazeh Tazeh*, Tehran, Sokhan.
- Kabuli, A. (2012). *Tazkira al-Tawarikh*, edited by Alireza Kjjzadeh, first editin, Tehran, Islamic Cuncil Library.
- Kami-Qazvini, A. (2015). *Tazkereh Nafais al-Maather*, edited by Saeed Shafiyun, first editin, Tehran, Majlis Library and Islamic Azad University.
- Karimv, S. (2011). *Persian literature in the 10th century f Hijri/16th AD*. Translated by Mrteza Razmara, Shahriaran, Tehran.
- Khandmir, Gh. (1999). *Makarem al-Akhlaq*, edited by Mohammad Akbar Ashiq, first editin, Tehran, written heritage.
- Khushg, B. (2009). *Khushgu's ship*, corrected by Seyyed Kalim Asghar, second part, first editin, Tehran, Islamic Council Library.
- Lakhanvi, A. (1979). *Riyaz al-Arifin*, Edited by Seyyed Hssamuddin Rashidi. C2/ First editin, Rawalpindi, Persian Research Center of Iran and Pakistan.
- Ma'zzeni, A. M. & Zeighami, A. (2013). "Bab-Afghan influence on Safavid era poetry", *Gahar Darya*, 5th year, 2nd issue, 18, (pp. 42-19), Tehran, Research Institute.
- Monir, M. D. (2004). "Equatin style and its place in Persian poetry", *Ghalib*, N. 4, (pp: 36-13), *Herat*, Ghalib University.
- Navaei, A. (1984). *Tazkereh Majlis al-Nafis*, corrected by Ali Asghar Hekmat, first editin, Tehran, Manchehri.
- Nazmi Tabrizi, A. (1999). *Two Hundred ratsr*, first editin, Tehran, Srsh.
- N'mani, Sh. (1984). *Shaar al-Ajam*, translated by Seyyed Mohammad Taqi Fakhr Dai Gilani, vl. 3, second editin, Tehran, World of Books.
- hadi, T. (2009). *Tadzkerch of Arafat al-Ashqin and Arsat al-Arifin*, corrected by Seyyed Mohsen Naji, vl.1 and 5, first editin, Tehran, Asatir.
- Rahyab, M. N. (2008). "Life lessn and ppulism in Asafi's speech", *Andisheh*, first year, third issue, (pp: 29-43), Harat University.

- Rajaei, M. M. (2012). "Asefi Haravi's contributin to the fundatin of the Indian school", *Andisheh*, first year, number three, (pp: 44-54), Herat University.
- Reghabi Ghadimi Mashhad, R. & Salehinia, M. (2015). "Nazok khiyal poetic style of the 10th century and the importance of the Khorasan region in its spread", *special issue of the subcontinent*, number 6, 93-111, Tehran, Persian Language and Literature Academy.
- Reghabi Ghadimi Mashhad, R. & Salehinia, M. (2017). "Asfi Heravi, of the pineers of the Indian thin-imagining style in the 10th century", *special issue of the subcontinent*, number 8, 103-122, Tehran, Persian Language and Literature Academy.
- Ripka, Yan and thers (1991). *Histry f Iranian literature*, translated by Keykhsr, first editin, Tehran, Gtemberg and Javidan Kherad.
- Safa, Z. (1984). *Histry f Literature in Iran*, Volume 4/2nd editin, Tehran, Ferd.
- Safavi, S. M. (2005). *Tazkereh Thfeh Sami*, corrected by Rknddin Homayoun Farrokh, Tehran, Asatir.
- Samarghandi, D. (2003). *Tazkira al-Shaara*, corrected by Edward Brown. First editin, Tehran, Asatir.
- Samsam al-Dulah, A. R. (2009). *Baharestan Skhan*, edited by Abdul Mhammad Ayati, Tehran, Assciatin f Cultural Artifacts and Hnrable Mentins.
- Sediq, H. K. (2014). *Tazkereh Shama Anjuman*, edited by Mhammad Kazem Kahdi, secnd editin, Yazd, Yazd University.
- Tinat, A. A. (2008). "Asefi's Place in Ghazal-Sarai", *Andisheh*, 1st year, 3rd issue, (pp. 163-170), Herat, Herat University.
- Valeh Daghestani, A. Q. (2004). *Riaz al-Shaara*, crrected by Seyyed Mhsen Naji, vl.1/first editin, Tehran, Asatir.
- Vasefi, Z. M. (1970). *Bada'i al-Vaqa'i*, crrected by Alexander Baldirv, vl.1/2nd editin, Tehran, Farhang Iran Fundatin.
- Zarghani, S. M. (2018). *Histry f Iranian literature and Persian language dmain* (3), Tehran, Fatemi.
- Zipli, R. (1964). *Why is Indian style called barque style in the western wrld?* ,First editin, Tehran, Italian Cultural Assciatin. (In Persian).